

تبیین پتانسیل‌های ارتباطی سواحل مکران در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران

حسین خالدی^۱ بهادر غلامی^۲ محمدعلی میرزایی^۳

۱- دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۳- دبیر آموزش و پرورش تهران

چکیده:

سواحل مکران واجد مزیت‌های ژئوپلیتیکی اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران است که این کشور را به عنوان وزنه‌ای در سیستم بین‌المللی و جهانی در قرن ۲۱ مطرح می‌نماید. توسعه آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و سواحل مکران؛ وابسته به طراحی سیاست‌های کارآمد و استفاده بهینه از کارکردهای این منطقه از کشور می‌باشد. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین واقعیت‌های جغرافیایی و پتانسیل‌های ژئوپلیتیک سواحل مکران و تأثیر آن بر وزن ژئوپلیتیک ایران است. براساس یافته‌های تحقیق برآیند ظرفیت‌های ارتباطی سواحل مکران، آلترناتیو خروج نسبی ایران را از تنگنای تنگه هرمز، اتصال کشورهای شمال ایران و ترانزیت کالا به دریاهای آزاد و سایر مناطق جهان و انتقال انرژی نفت و گاز را به دنبال دارد. به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به ویژه نقش سواحل مکران در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل عمان پیوند دهد و هم منزلت ژئوپلیتیکی خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید.

واژگان کلیدی: ایران، سواحل مکران، دریای عمان، ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک

۱- مقدمه

موقعیت و ساختار طبیعی فضای ایران بر کنش متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی تأثیرات متفاوتی گذاشته است؛ از یک سو با بسترسازی ارتباط میان اقوام و گروه‌ها، تعامل آنها را با یکدیگر و با سکنه فلات ایران آسان نموده است و از سوی دیگر جنبه‌های وحدت بخش کلان سرزمینی بر شکل‌گیری روابط و پیدایش خصلت‌های ملی تأثیر گذاشته است و جنبه‌های تفکیک‌ساز فضا، شکل‌گیری تفاوت‌ها و خصلت‌های ناحیه‌ای درون آن را موجب شده است (حافظ-نیا، ۱۳۸۱). جنوب شرقی ایران که در توسعه ایران سهم بالایی را به خود اختصاص می‌دهد با سایر نواحی ایران پیوند گسترده‌ای نداشته و در انزوای خاص جغرافیایی محصور مانده است. تفاوت‌های مذهبی و زبانی این منطقه با بدنه اصلی کشور، این منطقه را در حصار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود باقی گذاشته است و اقتصاد بسته و کم تحول یافته آن، روابط تجاری و در نتیجه علایق مادی آن با سایر نواحی کشور محدود می‌باشد (پاپلی‌یزدی، ۱۳۶۸). شناسایی دقیق کمربندها، دالانها و حتی نقاط توسعه یافته یا مناسب برای توسعه در پهنه سرزمین ملی، برای دولت‌ها؛ حتی حساس‌تر از شناسایی نواحی و نقاط محروم و مشکل خیز است؛ زیرا این فضاها باید در کوتاه مدت یا حتی در دراز مدت، بار نواحی فقیر را به دوش بکشند. بنابراین شناسایی این فضاها و وزن استراتژیک آنها از دید اقتصادی، به معنای شناخت مناطق حیاتی کشور است. از سویی دیگر، شناسایی این فضاها در مقیاس ملی، فرصت‌های مناسبی برای دولت‌ها به منظور شناخت ژرفتر و بویژه بومی شده شاخص‌های توسعه فنی، مردم‌شناختی و برسر هم هسته‌ها و حاشیه‌ها فراهم می‌کند. این نیز در جای خود، فرصت الگوبرداری عینی و نزدیک‌تر نواحی کمتر توسعه یافته و نادارتر را فراهم می‌کند (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۷). جنوب شرقی ایران واجد مزیت‌های ژئوپلیتیکی مهمی برای ایران است که این کشور را به عنوان وزنه‌ای در سیستم بین‌المللی و سیستم جهانی در قرن ۲۱ مطرح می‌نماید. برخی از مزیت‌های این منطقه دارای اثرات درون کشوری است و برخی به موقعیت ایران در ساختار نظام جهانی مربوط می‌شود. پس این منطقه در ارتباط با افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران نقش مثبت و تعیین کننده دارد. موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرقی ایران با همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرارگرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای میانه و افغانستان جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است. ساحل دریای عمان دسترسی را به پهنه‌های اقیانوس هند باز می‌کند که می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد. نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی، افغانستان و آسیای میانه، می‌تواند به نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد تعادل‌های ژئوپلیتیکی برای خروج از بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی خود مؤثر باشد. به دلیل نقش ساحل عمان در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان پیوند دهد و هم منزلت ژئوپلیتیک خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بستر سازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید. (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴) جنوب شرقی ایران از دید پتانسیل‌های

اقتصادی دارای سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه‌های دریای عمان و اشراف این منطقه بر یکی از مهمترین و استراتژیک‌ترین راه‌های آبی جهان، همسایگی با افغانستان و پاکستان و نزدیکی به کشورهای آسیای میانه که دسترسی به دریا ندارند، ویژگی برجسته‌ای به این منطقه بخشیده است. دریای عمان بخشی از حوزه استراتژیک اقیانوس هند، یکی از پنج حوزه استراتژیک جهان و گذرگاهی با اهمیت به سوی خاورمیانه، جنوب‌شرقی آسیا، شبه قاره هند، سراسر آسیای جنوبی و جنوب شرقی است که روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و حجم کلانی از کالا و سرمایه از این راه مبادله می‌شود (طرح مطالعات راهبردی منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار، ۱۳۷۱). اهمیت ویژه کرانه‌های دریای عمان در پرتو هدفهایی چون تأمین امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز، دسترسی مستقیم به دریاهای آزاد، افزایش قلمرو آبی ایران در دریای عرب و اقیانوس هند، رویارویی بی واسطه با دشمن و اثرگذاری بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، رویارویی احتمالی با خطرهای برآمده از شبه قاره هند آشکارتر می‌شود. همه اینها به کرانه‌های دریای عمان بویژه چابهار، جاسک و خلیج گوآتر، در استراتژیهای پدافندی ایران جایگاه ویژه می‌بخشد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱). همچنین، کرانه‌ها و بنادر دریای عمان مناسب‌ترین جایی است که افغانستان و آسیای میانه محاط در خشکی، از آن می‌تواند با آبهای آزاد پیوند یابد. این کرانه‌ها چه از لحاظ دسترسی مستقیم به آبهای آزاد و چه از لحاظ برخورداری از امنیت بیشتر، می‌تواند پذیرای کالاهای وارداتی و صادراتی بیشتری باشد و رفته رفته از بار سنگینی که بر دوش بندرهای ایرانی در خلیج فارس است بکاهد. با امکانات بالقوه جغرافیایی مانند وجود خلیجها و بریدگیهای ساحلی طبیعی پیرامون منطقه، توسعه بندرها در کرانه‌های دریای عمان چندان دشوار نیست (حسین پورپویان و فرزام و پارسیان، ۱۳۸۸). نزدیکی و دسترسی سواحل دریای عمان به آسیای مرکزی، شبه قاره هند و کشورهای حوزه خلیج فارس، با جمعیتی بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان (Microsoft Encarta Reference Library, 2005) بازار بزرگ و مناسبی برای فعالیت و تبدیل شدن این منطقه به یکی از قطبهای بازرگانی و اقتصادی آسیا فراهم می‌کند. اگر دولتمردان این واقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی را دریابند، شاهد دگرگونی چشم انداز جغرافیایی و اقتصادی بخشهای جنوب شرقی کشور، به عنوان یکی از مهمترین مناطق استراتژیک ایران و در همان حال یکی از عقب افتاده‌ترین مناطق از جنبه‌های گوناگون توسعه، خواهیم بود. بی‌گمان چنین دگرگونی، تحولات دیگری در زمینه‌هایی مانند امنیت ملی و منطقه‌ای، از انزوا درآمدن جغرافیای منطقه و سنگین‌تر شدن وزن ژئوپلیتیک کشور در نظام منطقه‌ای و جهانی را در پی خواهد داشت. سواحل ایران در دریای عمان در پرتو موقعیت استراتژیک و دستیابی به آبهای آزاد بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای در مبادلات ایران با دیگر کشورهای منطقه دارد. از سوی دیگر، به سبب نزدیکی به افغانستان، پاکستان و آسیای میانه، در آینده نزدیک با پیوستن به شبکه ریلی کشور اهمیت ویژه‌ای در زمینه ترانزیت کالا به این کشورها به دست خواهد آورد. همچنین در این منطقه بندر چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران قرار دارد که یکی از نقاط کلیدی در کنار خلیج فارس و دریای عمان است و در کریدور شمال جنوب نقشی برجسته بازی خواهد کرد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱). برای بررسی پیشینه این تحقیق می‌توان به مقاله تحلیل ظرفیتهای ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرقی ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت) از حافظ‌نیا و رومینا (۵-۱۳۸۴) اشاره کرد. آنها منطقه جنوب شرقی ایران را با توجه به ویژگیهای جغرافیایی و ظرفیتهای ژئوپلیتیک اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولید کننده قدرت در کشور می‌دانند که تاکنون مورد غفلت واقع شده است. حسین پورپویان و فرزام و پارسیان (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی مکانی توسعه منطقه آزاد چابهار، فرصتها، تنگناها و راهکارها پرداخته‌اند. به اعتقاد آنها منطقه آزاد چابهار با برخورداری از ظرفیتهای مکانی چشمگیر چون اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی دارای کارکردهای تولید کننده قدرت در کشور است ولی با وجود توانمندیهای ژئوپلیتیکی استثنایی، تاکنون بهره‌برداری لازم از ظرفیتهای آن نشده است. در حالی که کشور با توجه به جایگاه جغرافیایی و کرانه‌های دریای عمان، در گرو طراحی سیاستهای کارآمد و بهره‌گیری بهینه از کارکردهای این بخش از کشور و بخشهای همسان آن است. در این مقاله در صدد بررسی موقعیت جغرافیایی و پتانسیلهای ترانزیتی جنوب شرقی کشور و سواحل دریای عمان در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور ایران در منطقه و جهان هستیم.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ژئوپلیتیک

قدمت ژئوپلیتیک، به اندازه قدمت جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و نیز به اندازه قدمت دیپلماسی، استراتژی، حسادت و ترس بوده است. (مویر، ۱۳۷۹) اما واژه ژئوپلیتیک با سده بیستم زاده شد، با پیچ و خم‌های آن درآمیخت و با پر تلاطم ترین مقاطع آن هویت یافت و با جنبش‌های ملی نیمه نخست سده همراهی کرد. (لور و توال، ۱۳۸۱) بنابراین اصطلاح ژئوپلیتیک اگرچه در نوشته‌های دوران تاریخی، از ارسطو گرفته تا قرن بیستم، مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما به عنوان یک مبحث دانشگاهی، پیشینه‌ای کوتاه دارد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۱) این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن ارائه گردید. (مویر، ۱۳۷۹) مفاهیم ژئوپلیتیک مفاهیمی هستند که از زیربنای راستین بی‌بهره بوده و نسبت به مقتضیات زمان و شرایط محیطی - جغرافیایی پدیدار آمده، دگرگونی پذیرفته و گاه از میان می‌روند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۴) بطور کلی مفاهیمی از قبیل؛ قدرت، نزاع، همگرایی، سلسله مراتب

قدرت، حوزه نفوذ، رقابت، تصمیم‌گیری، بحران، کنترل، سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منابع و محیط، فضا، عوامل ایستا (ثابت)، عوامل پویا (متغیر)، منافع ملی، روابط فضایی، امنیت، وحدت ملی، اقتدار ملی و ... در ژئوپلیتیک یافت می‌شوند. (محرابی، ۱۳۸۶) امروزه ژئوپلیتیک به یکی از جنجالی‌ترین موضوعات مورد توجه اندیشمندان و رهبران سیاسی جهان تبدیل شده و گروه‌های پژوهشی و علمی و صاحب نظران این رشته به بررسی و نقد ژئوپلیتیک می‌پردازند. (حافظ نیا، ۱۳۸۰)

تعاریف زیاد و متفاوتی از ژئوپلیتیک ارائه شده است. تعریفی که از ژئوپلیتیک مد نظر ما در این مقاله قرار گرفته است عبارت است از: "موضوع ژئوپلیتیک را رفتار گروه‌های انسانی متشکل نسبت به یکدیگر برپایه جغرافیا، قدرت و سیاست تشکیل می‌دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵)

۲-۱-۱- رویکرد اقتصاد ژئوپلیتیکی

این رویکرد تحت تأثیر نظریه مارکسیسم یا نئومارکسیسم شکل گرفت. (میرحیدر، ۱۳۸۶) در واقع ژئواکونومی، همیشه از وجوه مهم زندگی بین‌المللی بوده است. (لوتواک، ۱۳۸۰) برای برخی از افراد پایان جنگ سرد باعث پدیدار شدن نظم جدید ژئوپلیتیکی تحت تأثیر مسائل و مشکلات ژئواکونومیک شده است. یعنی دنیایی که جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی، جریان‌ات جهانی تجاری، سرمایه‌گذاری کالاها و تصاویر، کشورها، ساختار جغرافیایی سیاره زمین را بازسازی می‌کنند. (اتوتایل، ۱۳۸) جغرافیادانانی که در این زمینه کار کرده‌اند معتقد بودند که ژئوپلیتیک معاصر باید بر پایه روابط اقتصادی به ویژه درباره نقش اقتصاد سرمایه‌داری در نظام جهانی بازسازی شود. "دیوید هاروی در اثر مهم خود «ژئوپلیتیک سرمایه‌داری» تحلیلی ارائه داد که بیشتر از دیگران در راستای نگرش راستین مارکسیستی بود این رویکرد اقتصاد سیاسی بعداً مورد انتقاد اگینو و کوبریج قرار گرفت که معتقد بودند نباید به اقتصاد به عنوان زیر بنا و سیاست و فرهنگ رو بونا توجه کرد چون نقش بازیگران چه دولتی و چه غیر دولتی، موقعیت جغرافیایی مکانها و فرایندهای فرهنگی همانند فرایندهای اقتصادی در تعیین ماهیت ژئوپلیتیک نقش مهم و مستقل دارند و بنابراین خواستار استفاده از رویکرد اقتصاد ژئوپلیتیکی شدند." (میرحیدر، ۱۳۸۶)

۲-۲- وزن ژئوپلیتیکی

وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی. وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هر چقدر وزن ژئوپلیتیکی بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگتر، همتراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هراندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی و نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرایندها، تصمیم‌سازیها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرایندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا نماید. کشورهایی که در سازمان‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای عملاً بر فرایندها و تصمیمات و اقدامات جمعی تأثیر گذاشته و دیگر کشورها و اقدامات و کنش آنها را نیز متأثر می‌نماید آنها هستند که از وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن منزلت بیشتر و برتر در میان سایر اعضا سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردارند. بدین ترتیب آنها می‌توانند به تولید مجدد قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نقطه نظرات، سیاستها، اهداف و برنامه‌های خود در سطح منطقه-ای و جهانی بپردازند. بنابراین وزن ژئوپلیتیکی مفهومی بنیادین در سرنوشت کشورها و فضاها و مکان‌های جغرافیایی و میزان اقتدار و قدرت بازیگری حکومتها و دولت‌ها و نهادهای اجتماعی آنها محسوب می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۵)

۲-۳- قدرت ملی

قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا میکند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگرسته شود از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده اند دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آیند و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور میباشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملتها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت؛ قدرت ملی عبارتست از مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد. یا اینکه قدرت ملی عبارت است از: توانایی قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی. (حافظ نیا، ۱۳۷۹)

حافظ نیا سطوح قدرت ملی کشورها را از حیث فضایی و قدرت اثرگذاری بر پدیده‌ها و فرایندهای برون‌کشوری به شرح زیر تعیین کرده است:

۱- قدرت ملی فراکروی: قدرتی است که در ماوراء کره زمین و فضای بین کرات آسمانی قدرت مانور و اثرگذاری دارد.

- ۲- قدرت ملی با برد جهانی: قدرتی است که بر فرایندهای جهانی و کروی اثر می‌گذارد، اعم از اینکه یک بعدی باشد یا چند بعدی
- ۳- قدرت ملی با برد منطقه‌ای: قدرتی است که نفوذ آن در یک منطقه ژئوپلیتیکی تجلی پیدا میکند. نظیر هند در جنوب آسیا
- ۴- قدرت ملی با برد محلی: قدرتی است که حوزه نفوذ اثرگذاری و نفوذ آنرا همسایگانش تشکیل می‌دهند. نظیر عربستان سعودی در شبه جزیره عربستان
- ۵- قدرت ملی با برد کشوری: قدرتی است که اثرگذاری آن در درون مرزهای آن معنی پیدا میکند مانند نپال
- ۶- قدرت ملی ضعیف: قدرتی است که در درون مرزهای خود نیز فاقد اقتدار کامل است مانند سومالی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶)

۳- روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات و...) و نیز اینترنت جمع‌آوری شده است. فرضیه‌ای که در این تحقیق مدنظر قرار گرفته است عبارت است از: در صورت استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جنوب شرقی کشور به ویژه سواحل دریای عمان وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی بالا خواهد رفت.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- اهمیت موقعیت جغرافیایی ایران در منطقه خاورمیانه

گسترش قابل ملاحظه ایران در طول و عرض جغرافیایی (۱۵ درجه عرض و ۱۸ درجه طول شرقی) و ترکیب و تلفیق آن با پدیده‌های طبیعی دیگر، محیط طبیعی متنوعی را که از صفات بارز محیطی این سرزمین می‌باشد به وجود آورده است. در شکل‌گیری پیکره ایران علاوه بر در نظر گرفتن موقع ریاضی باید به موقعیت نسبی و عمومی آن نیز که در معادلات اقتصادی، نظامی و سیاسی نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند، توجه کرد. مزیت‌های این موقعیت ممتاز جغرافیایی بدین قرار است:

- ۱- تمدن ایران حلقه ارتباطی میان دیگر کانونهای متمدن باستانی بشریت مانند تمدنهای چین، دره سند از سمت شرق و بین‌النهرین و نیل از طرف غرب بوده است؛
- ۲- دو خصیصه ذاتی جغرافیایی ایران کوهستانی بودن و قرار گرفتن در کمربند خشک نیمه حاره‌ای است. این موقع نامناسب جغرافیایی با کمک و مساعدت عوامل طبیعی دیگر، نقشش تعدیل یافته و در پیدایش اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی تأثیر زیادی داشته است. لذا تنوع اکولوژیکی موجود در محیط طبیعی ایران ناشی از عملکرد کنش متقابل این دو خصیصه ذکر شده است؛
- ۳- قرار گرفتن سرزمین ایران در ریملند اوراسیا و همچنین واقع شدن آن در معبر ارتباطی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا و نیز وجود منابع عظیم نفت، گاز و فلزات استراتژیک، از جایگاه ویژه‌ای در منطقه برخوردار بوده و به آن نقش ژئواستراتژیک می‌بخشد؛
- ۴- دارا بودن هویت ایرانی باعث شده است که ایران با وجود اینکه بارها مورد هجوم دشمنان قرار گرفته و در مواردی تحت سیطره آنها درآمده است، بتواند وحدت سیاسی و تمامیت ارضی‌اش را با همه آداب و سنن ملی حفظ و حراست نماید. (سنائی‌فر، ۱۳۸۹)

۴-۲- جایگاه جنوب شرق ایران در نظریات ژئوپلیتیک

به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال-جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. از اینرو ایران در معرض تعاملات، استراتژیها و جابجایی‌هایی قرار دارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط باشند. ایران از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، طی دو قرن اخیر، دقیقاً در حدفاصل استراتژیهای دو قدرت بزرگ جهانی رقیب قرار داشته و نقش حائل را در فرایند رفتارهای رقابت‌آمیز قدرتهای جهانی بازی کرده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱) بنابراین ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک از جایگاه و موقعیت مهمی برخوردار است. یکی از مناطق با اهمیت این کشور به لحاظ پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی سواحل دریای عمان و جنوب شرقی ایران است. که از جایگاه برجسته‌ای در نظریات ژئوپلیتیک برخوردار است.

۴-۲-۱- اهمیت جنوب شرقی ایران در نظریه هارتلند

نظریه مکیندر (۱۹۴۷-۱۸۶۱) اولین بار در سال ۱۹۰۴ تحت عنوان محور جغرافیایی تاریخ مطرح شد. مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی معرفی کرد که $\frac{2}{3}$ کره خاکی و $\frac{7}{8}$ جمعیت جهان را در بر می‌گیرد. وی کلید جزیره جهانی را ناحیه محور یا هارتلند می‌دانست که ناحیه‌ی وسیعی بود که از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات

ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد. از نظر مکیندر، در آن زمان این ناحیه از سوی هیچ کدام از قدرت‌های دریایی تهدید نمی‌شد. (عزتی، ۱۳۸۰)

مکیندر عقیده داشت اطراف منطقه هارتلند را دو ناحیه فرا گرفته است:

۱- هلال داخلی یا حاشیه‌ای: این هلال شامل سرزمین‌هایی می‌شد که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند و بخش عمده این حاشیه قلمرو شبه جزایر است و نقش ژئواستراتژیک دارد.

۲- هلال خارجی یا جزیره‌ای: هلال خارجی شامل جزایر بریتانیا، ژاپن و استرالیاست. مکیندر بر این باور بود که هارتلند اهمیت اساسی در اوراسیا بر عهده دارد و در ۱۹۱۹ چنین عنوان کرد: "کسی که به شرق اروپا تسلط یابد به هارتلند حاکم خواهد بود، هر کسی بر هارتلند حاکم شود بر جزیره جهانی حاکم خواهد بود؛ و کسی که به جزیره جهانی حاکم باشد بر دنیا مسلط است." (همان)

با نگاهی به ساختار فضایی نظریه هارتلند، مشخص می‌شود که سواحل دریای عمان و جنوب شرقی ایران در نظریه مکیندر بخشی از هلال داخلی است. این بخش از ایران جز سرزمین‌هایی است که چون یک کمر بند، هارتلند را محاصره کرده‌اند. همجواری با هارتلند از یک طرف و دسترسی به آب‌های آزاد از طرف دیگر بهترین موقعیت ارتباطی و استراتژیک را هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار ایران قرار داده است.

۴-۲-۲- اهمیت جنوب شرقی ایران در نظریه قدرت دریایی

در مقابل نظریه‌ی هارتلند مکیندر که اصالت را به قدرت بری می‌داد، آلفرد تایر ماهان اهمیت قدرت دریایی و تسلط بر دریاها و آبراهه‌ها را در مسیر ارتقاء به قدرت برتر جهانی حائز اهمیت می‌دانست. او به ذاتی بودن قدرت در فضای آبی اعتقاد داشت. (لور وتوال، ۱۳۸۱) به عبارت دیگر در نظریه‌ی ماهان تسلط بر دریاها و آبراهه‌های استراتژیک جهان تسلط بر جهان را به همراه دارد. ماهان برای ایران در نظریه‌اش موقعیت گذرگاهی قائل بود. در چارچوب فضایی نظریه قدرت دریایی، ایران جزئی از مجموعه شبه‌جزایر است که در سطح گسل و سطح اتصال آب‌ها و خشکی‌ها هستند. در اینجا مهمترین نقش ایران این است که در مسیر دسترسی قدرت بری روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار گرفته است. بنابراین ایران بهترین مکانی است که باید جلوی حرکت روسیه در آنجا سد شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲) جنوب شرقی ایران به علت سواحل گسترده دریای عمان در این نظریه از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است چرا که علاوه بر دسترسی به آب‌های اقیانوسی؛ از دید قدرت بحری نزدیکترین و مناسب‌ترین مسیر برای دسترسی به آسیای میانه و سیبری (بخش اصلی هارتلند) است و از دید قدرت بری نزدیکترین مسیر برای دسترسی به آب‌های آزاد است.

۴-۲-۳- اهمیت جنوب شرقی ایران در نظریه ریملند

نیکلاس اسپایکمن با پذیرش چارچوب فضایی نظریه مکیندر، به جای هارتلند، هلال داخلی را که وی از آن به ریملند نام می‌برد، واجد اهمیت می‌داند. از نظر وی منطقه ریملند کارکرد اصلی را دارد و منشاء اصلی تولید قدرت محسوب می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۲) دلیل اهمیت دادن اسپایکمن به ریملند، در مقایسه با هارتلند از این جهت بود که به اعتقاد وی این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد؛ از طرف دیگر بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباطات در این بخش از جهان وجود دارد. (عزتی، ۱۳۸۰) ناحیه ریملند به صورت هلالی اطراف قدرت بری را فرا گرفته بود، همین امر این ناحیه را به صحنه رقابت و نفوذ قدرت‌های بری و بحری مبدل کرده بود. اسپایکمن در نظریه خود ایران را در قلمرو ریملند جای می‌دهد. قلمروی که بین قلب زمین و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و اکثر رقابتها و مخاصمات قدرتهای دریایی و زمینی در آن به‌وقوع می‌پیوندد. از نظر تاریخی، ریملند محل ایجاد قدرتهای کلاسیک قدیم مانند چین، ایران، هند، عثمانی، روم و ... بوده است. در ارتباط با این نظریه سواحل جنوبی ایران بویژه سواحل دریای عمان از اهمیت زیادی برخوردار است. بیشتر وقایع تاریخ معاصر ایران در قالب این نظریه قابل تحلیل است. موقعیت بی‌نظیر ایران باعث شده بود تا به‌عنوان مهمترین قسمت منطقه ریملند ایفای نقش کند این واقعیت باعث شد تا برخی نیروهای سیاسی داخلی از وضعیت موجود که همانا تأثیرپذیری مسائل کشور از دو قدرت برتر بود، خسته شوند و به دنبال نیروی سومی باشند. آنچه در زمان امیرکبیر، اولین پیوندهای بین ایران و آمریکا را رقم زد؛ آنچه در دوران قاجار، انقلاب مشروطه مردم ایران را شکل داد؛ مسائلی که در زمان رضاشاه پهلوی منجر به حضور پررنگتر آلمان به عنوان نیروی سوم شد و نهایتاً واقعیتی که منجر به شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد؛ همگی پنجره‌های گریز از وضعیتی بودند که قرار بود بر اساس نظریه ریملند، ایران آن را به عهده داشته باشد. (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۵)

۴-۲-۴- ایران و نظریه بیضی استراتژیک انرژی

جفری کمپ در نوشته‌ای در سال ۱۹۹۷ مجموعه سرزمین‌های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را بیضی استراتژیک نام نهاد. این مناطق به عنوان دو منطقه‌ی اصلی برآورنده‌ی نیاز روزافزون انرژی جهان در قرن بیست و یکم برای جهان غرب اهمیت فراوانی دارد. منابع نفتی دریای خزر تا ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است؛ درحالی که کمپانی‌های فعال در منطقه روی میانگین ۹۰ میلیارد بشکه حساب می‌کنند. از طرفی تنها سه کشور روسیه،

ایران و قطر، حدود ۷۰ درصد منابع شناخته شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱) قابلیت افزایش تولید نفت حوزه خلیج فارس نیز از ۳۱ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۳۶ درصد در سال ۲۰۲۰ وجود دارد. (Bahgat, 2002) می‌توان اهمیت سواحل دریای عمان و جنوب شرقی ایران را در موارد زیر ذکر کرد.

- ۱- بخش‌هایی از سواحل ایران در دریای عمان در نزدیکی تنگه استراتژیک هرمز در زمره‌ی بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ قرار داد.
- ۲- جنوب شرقی ایران همسایه غربی هارتلند جدید است. همین امر نقش معبری و گذرگاهی ویژه‌ای به این منطقه می‌بخشد به گونه‌ای که نزدیکترین آسانترین راه انتقال نفت و گاز حوزه خلیج فارس به شبه قاره هند و چین مسیری خواهد بود که از این مناطق عبور می‌کند. پروژه خط لوله صلح برای انتقال گاز میدان پارس جنوبی به پاکستان و هندوستان و حتی چین بر این ویژگی جنوب شرق کشور و سواحل شمالی دریای عمان تأکید دارد.
- ۳- جنوب شرقی ایران و سواحل ایرانی (شمالی) دریای عمان به عنوان یکی از مناطق همجوار هارتلند جدید در امر تأمین امنیت بیضی استراتژیک انرژی و مسیرهای ارتباطی آن اهمیت ویژه‌ای دارد. نامنی در این منطقه هم حاشیه و هم متن بیضی استراتژیک انرژی را نامن خواهد ساخت. لذا تلاش برای تأمین امنیت پایدار در این بخش از ایران از اهمیت ملی و بین‌المللی برخوردار است.

۳-۴- پتانسیلهای قدرت‌زای برخاسته از موقعیت جغرافیایی و ارتباطی جنوب شرقی ایران

۴-۳-۱- دسترسی به دریای آزاد و امکان‌سازی تبدیل ایران به قدرت دریایی

از قدیمیترین دوران تا امروز دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم برای توسعه‌طلبی کشورها بوده است. تصور می‌شود در اختیار داشتن آبهای آزاد شرط ضروری برای رسیدن به یک قدرت جهانی است. استراتژی دریایی نقش اساسی سیاست دریایی را مشخص می‌سازد. توجه به دریا و مسائل و توسعه آن نقش اساسی در توسعه منطقه‌ای و پایدار دارد و دولت‌ها همیشه در تلاش بوده‌اند به نحوی به دریا دسترسی داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل نداشتن استراتژی دریایی و داشتن سیاست بری (خشکی) در برنامه‌ها هنوز نسبت به توسعه قلمرو دریایی و جزایر و بنادر آن بی‌توجهی دارد و آثار این غفلت در جزایر و بندرها مشهود است. (کامران، ۱۳۸۱)

جنوب شرقی ایران به لحاظ جایگاه نظامی می‌تواند در اتخاذ استراتژی‌های بحری، نقش ویژه‌ای برای ایران ایفا کند و آن را از توان و قابلیت تحرک میان اقیانوسی در فعالیت‌های نظامی برخوردار نماید. به لحاظ سیاسی و بین‌المللی، دریای عمان، ایران را در مجاورت دو سازه منطقه‌ای یعنی سازه دریای عمان و سازه میان قاره‌ای اقیانوس هند قرار داده است. عضویت در این دو سازه، ظرفیت ژئوپلیتیک ایران را توسعه می‌دهد. از نظر اقتصادی ایران در سواحل دریای عمان با افزایش حد فلات قاره تا ۳۵۰ مایل دریایی از خط مبدا دریای سرزمینی و نیز تا ۲۰۰ مایل منطقه انحصاری اقتصادی طبق عهدنامه حقوق بین‌المللی دریاهای، پتانسیل‌های مهمی در زمینه شیلات و منابع کف دریا و نیز ذخایر معدنی کف و زیر کف در این دریا نصیب ایران می‌شود. نیاز سازه‌های منطقه‌ای آسیای میانه، خلیج فارس، جنوب آسیا و ... می‌تواند موجب شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری در سواحل جنوب شرق کشور با حوزه نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. واقع شدن جنوب شرق ایران و دسترسی به آن به راه‌های آبی و مسیرهای بزرگ ترانزیت کالا به اروپا، کشورهای مدیترانه و هندوستان، پتانسیلهای بازرگانی را برای فعال شدن بخش اقتصادی در این منطقه فراهم آورده است که با وجود سازمانهای منطقه‌ای همچون "اگو" و "آ سه آن" چشم‌انداز بازرگانی روشنی می‌تواند برای آینده بازرگانی این منطقه انتظار داشت. (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴)

۴-۳-۲- وجود بندر چابهار به عنوان دروازه ترانزیت کالا، خدمات و انرژی

خطوط دریایی به بندرگاهها و بندرهایی می‌پیوندند که اندازه‌ها، شکلهای و ویژگیهای گوناگون دارند. بندرگاه مناسب برای کشتیها با آب‌خور زیاد، دارای راههای دسترسی، ورودی، بسترهای لایروبی شده، ژرفای کافی، لنگرگاههای حفاظت شده، حوضچه‌های چرخش و تسهیلات دریانوردی است. همچنین هر بندر مدرن، مجموعه مناسبی از امکانات پهلوگیری، باربری، ذخیره‌سازی، تعمیر و نگهداری و ترخیص کالا دارد. (کالینز، ۱۳۸۵) برای ایفای نقش بندر چابهار در خط ترانزیتی محور شرق و بالا بردن توان رقابت با بندرهای گوادار و جبل علی، باید توسعه بندر شهید بهشتی چابهار در اولویت قرار بگیرد. اتصال این بندر به راه آهن سراسری زاهدان و بم و خط آهن بافق - مشهد سبب می‌شود این بندر به شبکه ۱۴۶ هزار کیلومتری راه آهن فدراسیون روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع و اروپا بپیوندد. (امیدی، ۱۳۸۴)

۴-۳-۳- عمق استراتژیک

ایران در سواحل و آبهای جنوب شرقی دارای عمق استراتژیک ویژه‌ای است که توان ایران را در برخورد با چالشهای ژئواستراتژیک ارتقا می‌دهد. عمق استراتژیک موجود در این منطقه می‌تواند باعث حل شدن چالشهای ژئواستراتژیک موجود بین ایران و دیگر کشورهای همجوار گردد و ایران از این ظرفیت

جهت حل اختلافات مرزی با عمان در زمان حمله چریک‌های ظفار در دهه ۱۹۷۰ بهره‌برداری کرد و کنترل خود را بر تنگه هرمز مسجل کرد. (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴)

۴-۳-۴- پتانسیل‌های چشمگیر ارتباطی (ژئوپلیتیک دسترسی)

بخش بزرگی از پیشرفت و توسعه مناطق، در گرو شبکه راه‌های ارتباطی و چند و چون سامانه ترابری است. شبکه راه‌های زمینی و هوایی و آبی در یک کشور، با بالا بردن کارکرد مناطق گوناگون و همچنین نزدیک کردن آنها به یکدیگر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، یکپارچگی سرزمینی و سیاسی کشور را تضمین می‌کند و مایه شکوفایی اقتصادی ملی می‌شود. نقش شبکه ارتباطی در یکپارچگی کشور از زمانهای باستان شناخته شده است. چون سامانه‌های ارتباطی نقش برجسته در توسعه اقتصادی بازی می‌کنند، بنابراین گفته شده است که هر اندازه کشوری در زمینه شبکه‌های ارتباطی توسعه یافته‌تر باشد؛ اقتصادی توسعه یافته‌تر خواهد داشت، زیرا بدین‌سان همه استان‌های کشور با همدیگر در ارتباط گسترده‌تری قرار می‌گیرند و هر استان یا ناحیه می‌تواند در زمینه تولید کالا یا خدمات ویژه‌ای فعال شود. امروزه شبکه ارتباطی چنان اهمیت یافته است که یکی از برجسته‌ترین عوامل قدرت ملی کشورها و توسعه اقتصادی آنها شمرده می‌شود و بر وزن و جایگاه ژئوپلیتیک یک کشور در نظام جهانی اثر می‌گذارد. جنوب شرقی ایران به‌ویژه منطقه آزاد چابهار با موقع تری-بحری پتانسیل‌های ارتباطی چشمگیری دارد و گذشته از آن از دیگر عوامل مؤثر در گسترش شبکه ارتباطی در سطوح محلی، ملی و فراملی از جمله امنیت، موقع ممتاز از جهت دسترسی به بازارهای پرجمعیت مانند هند، پاکستان و ... بهره‌مند است و می‌تواند همچون پلی دسترسی افغانستان و کشورهای محصور در خشکی در آسیای مرکزی و نیز استان‌های خراسان و سیستان و بلوچستان به دریای آزاد را تأمین کند. (حسین پورپویان، ۱۳۸۹)

۴-۳-۵- آلترناتیو خروج نسبی ایران از تنگنای تنگه هرمز

ایران از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز با سیستم جهانی پیوند می‌خورد. تنگه مذکور در حال حاضر به عنوان عامل قدرت برای ایران محسوب نمی‌گردد بلکه عامل ضعف قدرت ملی ایران است. زیرا ایران وابسته‌ترین کشور منطقه به تنگه هرمز است و ۱۰۰٪ صادرات انرژی فسیلی ایران و بیش از ۸۰٪ صادرات و واردات آن از طریق مسیر فوق‌الذکر انجام می‌گیرد. بنابراین در شرایط بروز محاصره دریایی و تهدید امنیت تنگه هرمز، ایران به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود. از این‌رو سواحل جنوب شرقی ایران پتانسیل مناسبی برای خروج ایران از تنگنای ارتباط دریایی محسوب می‌شود. مشروط بر اینکه تحولی در ساختار فضایی حمل و نقل کشور انجام پذیرد. (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴)

۴-۳-۶- جنوب شرقی ایران به‌عنوان آبشش کشورهای محصور در خشکی (آسیای میانه، روسیه و افغانستان)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نیاز کشورهای محصور در خشکی شمال شرقی ایران بیشتر احساس شد. قابلیت‌های این منطقه و قرار گرفتن آن در مسیر محور دسترسی شمال-جنوب با توجه به موقعیت ایران به عنوان یک واحد جغرافیایی پیش‌روی این کشورها و نیاز مبرم آنها جهت دسترسی به آب‌های آزاد با ظرفیت‌های بالای حمل کالا و اشغال واحدهای سیاسی شمال شرقی ایران به سواحل عمان نتایج زیر را به دنبال دارد:

(تولید درآمد+ اشتغال+ توسعه کریدور نواحی توسعه نیافته شرق کشور+ ابزار ایجاد موازنه ژئوپلیتیکی با ایجاد انفعال در رفتار همسایگان. همان) در طرح یونیدو سواحل دریای عمان به عنوان نزدیکترین راه و مسیر انتقال انرژی بین‌قاره‌ای شناخته شده است و چابهار به عنوان بزرگترین ترمینال مایع‌سازی گاز و انتقال آن به بازار مصرف جنوب شرق آسیا از جمله چین و ژاپن در نظر گرفته شده است. (UNIDO, 1994) قراردادهای دوجانبه ایران - ترکمنستان و ایران- هندوستان نیز اهمیت نقش ارتباطی این منطقه را مورد تأکید بیشتری قرار داده است. (شمشیرپناه، ۱۳۸۲) با توجه به نقش برجسته- ای که چابهار در آینده می‌تواند در شبکه بین‌المللی انرژی به عهده گیرد و نیز پیش‌بینی‌هایی که برای کاستن از اهمیت ایران در زمینه ارتباطات شده است، همچون راه پاکستان- افغانستان- ترکمنستان) لازم است محور سرخس-مشهد-زاهدان-چابهار در سازماندهی و راه‌اندازی شبکه‌های راه‌آهن، جاده، مخابرات و خطوط لوله در اولویت قرار گیرد؛ زیرا محور بندرعباس-تهران، مشهد یا کرمان-مشهد به علت طولانی بودن راه رقیب چندان نیرومندی برای دیگر محورها مانند آنچه گفته شد نیست. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹) ارتباطات جاده‌ای به عنوان مکمل مسیرهای آبی دریایی و همچنین شاهراه‌های ارتباط دهنده- ی مکان‌های تجمع انسانی نقش برجسته‌ای را در توسعه مکان‌های جغرافیایی برعهده دارد. حمل و نقل جاده‌ای متداول‌ترین بخش از حمل و نقل زمینی است که از میدان فعالیت وسیعی در خشکی برخوردار است و به عنوان مکمل دیگر انواع حمل و نقل، کالا و خدمات را در دسترس مصرف‌کننده نهایی قرار می‌دهد. (پارسایان و حمدانی پور، ۱۳۶۷) شبکه جاده‌ای جنوب شرق کشور شامل یک شبکه اصلی شمال-جنوبی است که این شبکه نیز از توسعه کافی و مفید برخوردار نمی‌باشد. احداث جاده ترانزیتی چابهار-زابل که به خاک افغانستان وارد می‌شود که پس از گذشتن از زرنج، قندهار و کابل، وارد

تاجیکستان می‌شود ضروری است. این اقدام زیربنایی موجب رونق اقتصادی استان عقب نگه‌داشته شده‌ی سیستان و بلوچستان خواهد شد. از سوی دیگر دو کشور افغانستان و تاجیکستان به دریای آزاد دسترسی خواهند یافت. (حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۴)

هرچند کرانه‌های دریای عمان به سبب آرامش نسبی آب و ژرفای مناسب آن جای خوبی برای پهلو گرفتن کشتیهای بزرگ است. ولی استان سیستان و بلوچستان در انزوای جغرافیایی به سر می‌برد. دور افتادگی، در حاشیه بودن و بویژه گسستگی فضایی این استان از مناطق مرکزی و داخلی به سبب وجود دو صحرای بزرگ از ویژگیهای محیطی این استان است. (کریمی‌پور، ۱۳۸۰) دین‌سان گسترش ارتباطات جاده‌ای، ریلی و هوایی از پیش زمینه‌های توسعه اقتصادی و محرومیت‌زدایی از سیستان و بلوچستان است. سامانه ترابری کارآمد، جایگاه ویژه‌ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و در این میان، اهمیت ترابری ریلی به سبب ویژگیهای اقتصادی چشمگیر است. ایجاد کریدورهای ریلی و رساندن آنها به کشورهای همسایه و بندرهای ایرانی، از برنامه‌های استراتژیک اقتصادی است که سهم بزرگی در توسعه ملی خواهد داشت، زیرا توسعه شبکه ارتباطی این استان سالانه دستکم درآمدی ۱۰ میلیارد دلاری به ارمغان می‌آورد؛ این درحالی است که سیستان و بلوچستان هنوز به شبکه ریلی کشور نپیوسته است. با اینکه ایران از دید جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جایگاهی برجسته دارد و همچون پلی خاور و باختر را به هم پیوند می‌دهد، شوربختانه ناوگان هوایی باری و مسافری کشور وضع نابسامانی دارد و همین اثری زینبار بر استانهای خاور ایران گذاشته است. برای نمونه منطقه آزاد چابهار بعنوان یک منطقه ویژه اقتصادی که پتانسیل چشمگیری برای صدور کالا و انتقال مسافر به شبه قاره هند، آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان دارد، هنوز از امکانات ارتباطی لازم بی‌بهره است. نادیده گرفتن فرصتهای ژئوپلیتیکی از این دست و بهره‌نجستن از آنها، ایران را با چالشهای ژئوپلیتیکی روبرو کرده است. نمونه آن جذب سرمایه توسط بندر رقیب بندر چابهار یعنی جبل علی و گوادر است.

۴-۴- تنگناهای ژئوپلیتیکی توسعه جنوب شرقی کشور

- وجود بندرهای رقیب برای بندر چابهار. (جبل علی و گوادر)
- نبود تأسیسات زیربنایی لازم، که هزینه آنها فراتر از اعتبارات بودجه‌ای است.
- نبود پیشنیازهای فرهنگی رایج در مناطق بازرگانی-صنعتی جهان، به سبب تنگناها و محدودیتهای ایدئولوژیک، بویژه در زمینه توریسم،
- فضای نامساعد بین‌المللی در سایه تحریمهای اقتصادی و مجازاتهای پیش‌بینی شده برای شرکتهای سرمایه‌گذار در ایران،
- کاهش احساس امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سرمایه‌گذاران خارجی بر اثر تبلیغات سوء رسانه‌های بین‌المللی (کامران، ۱۳۸۱)
- وجود شکافهای مذهبی و سرمایه‌گذاری و تبلیغات برخی کشورها برای دامن زدن به این شکافها، برای نمونه، راه‌اندازی مدارس با گرایش وهابی
- نبود بازار کار داخلی برای جذب نیروها و وجود کالاهای قاچاق و مواد مخدر در کشورهای همسایه
- حضور قاچاقچیان بین‌المللی در حاشیه نوار مرزی
- وفور جنگ‌افزار و خرید و فروش آن در منطقه
- حضور آمریکا در مرزهای خاوری کشور. (حسین‌پورپویان، ۱۳۸۹)

۵- تجزیه و تحلیل

جنوب شرقی کشور با جایگاه یگانه خود در کرانه‌های دریای عمان، یک سرمایه ارزشمند ژئوپلیتیکی به شمار می‌آید. پنج کانون استراتژیک چابهار-زاهدان-بیرجند-مشهد-بجنورد در محدوده شرقی کشور مطرح است که هر یک به گونه‌ای می‌تواند در پیشرفت طرح توسعه چابهار به عنوان محور توسعه شرق کارساز افتد. باتوجه به توانمندیها و ظرفیتهای ژئوپلیتیکی سواحل دریای عمان، به‌ویژه منطقه آزاد چابهار، به نظر می‌رسد توسعه دیگر مناطق خاوری کشور تا اندازه زیادی در گرو توسعه این منطقه استراتژیک و محوری باشد. هرچه بیشتر و بهتر از ظرفیتهای مکانی و ژئوپلیتیکی بخشهای مختلف کشور و به‌ویژه منطقه جنوب شرقی کشور و سواحل دریای عمان، نیازمند یک رشته استراتژیهای اصولی و پایه‌ای با هدف از میان بردن تنگناهای کنونی و شناخت امکانات موجود است. مهمترین اقدام ایجاد بسترهای مناسب ارتباطی به‌ویژه رساندن شبکه ریلی کشور به منطقه آزاد چابهار و برون آوردن آن از انزوای جغرافیایی و گسترش دادن خطوط ارتباطی این منطقه به گونه‌ای که با راههای سراسری و بین‌المللی پیوند یابد است. تقویت شبکه‌های زیربنایی و رفاهی در پیوند با ترانزیت در سراسر این محور، امری ضروری است. باید بر تجهیز ناوگان و زمینه‌سازی برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، بسترسازی برای مشارکت بیشتر باشندگان منطقه در فرایند توسعه منطقه‌ای و ملی، اولویت دادن به محور ترانزیت چابهار-میلک در مرز ایران و افغانستان تأکید شود.

ایران در دریای عمان ظرفیت تشکیل سازه دفاعی اقیانوس پایه را دارد. در تفکر استراتژی سنتی ایران صحنه عملیات دشمن فرضی در خلیج فارس می‌باشد. چنانچه صحنه عملیاتی ایران قبل از ورود به خلیج فارس یعنی در دریای عمان طراحی گردد، توان استراتژیک ایران قبل از ورود به خلیج فارس قرار

خواهد داشت. همچنین ایران توان طراحی یک صحنه عملیاتی بزرگ یک جانبه و حتی چند جانبه با کمک پاکستان، هندوستان، عمان و امارات را در برابر تهدیدات موجود و مفروض قدرتهای فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه بویژه ایالات متحده آمریکا را دارد. فقدان چنین سازه عملیاتی است که ایالات متحده آمریکا قدرت مانور در خلیج فارس را پیدا کرده است. (حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۴)

ترانزیت یک فرصت و مزیت است و برحسب موقعیت استراتژیک یک کشوری که در منطقه قرار دارد و بازارهایی که در کنار آن وجود دارد، ایجاد می‌گردد. ترانزیت کالا و خدمات از سه جهت درآمد ارزی، ایجاد اشتغال و ثبات سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است. جنوب شرقی ایران بواسطه موقعیت جغرافیایی خود شرایط ویژه‌ای از نظر نقش‌آفرینی در مبادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کالا و تعامل و ارتباط با حوزه‌های پیرامونی بخصوص کشورهای واقع در شمال و شرق خود را دارا است. از سوی دیگر این منطقه به لحاظ مجاورت با منطقه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس، آبهای بین‌المللی، همجواری با حوزه شبه قاره هند و حوزه آسیای میانه از امکانات بالقوه اقتصادی، به‌ویژه امکانات ترانزیتی و تجارت فرامرزی برخوردار است.

طبق پیش‌بینی کارشناسان، ترانزیت صنعت برتر جهان در چند سال آینده است. لذا بسط این صنعت در کشورهای در حال توسعه و کم درآمد نظیر ایران که امکانات بالقوه و بالفعل بسیار مناسبی در این زمینه دارند مسأله‌ای بسیار مهم و ضروری می‌باشد زیرا درآمدهای ناشی از آن در کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی بسیار مؤثر است. کشور ایران در حوزه ترانزیت به علت دارا بودن مزیت‌های چهارگانه منابع انسانی، منابع انرژی، ذخایر معدنی و موقعیت ممتاز جغرافیایی از منظر قرار گرفتن در مرکز هارتلند جدید، همسایگی با ۱۵ کشور و دسترسی‌های راهبردی به آسیای میانه و قفقاز به عنوان پلی ارتباطی میان اروپا و آسیا برای تحقق مبادله و ترانزیت کالا و انسان، نقش بسیار پراهمیتی را ایفا کرده است. یکی از مهمترین مناطقی که دارای قابلیت‌های ترانزیتی و حمل و نقل می‌باشد جنوب شرقی کشور و سواحل دریای عمان به‌ویژه بندر چابهار می‌باشد. دسترسی به آبهای بین‌المللی عمان و خلیج فارس و اقیانوس هند، نزدیکی به حوزه شبه قاره هند، آسیای میانه و چین به طور ذاتی از نظر ویژگی مکانی و موقعیت جغرافیایی به این منطقه یک هویت تاریخی ترانزیتی و ژئواکونومیک فرامرزی بخشیده است.

موقع جغرافیایی ویژه ایران میان خلیج فارس-دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال و این حقیقت که ایران توان پیوند دادن ژرفای ژئوپلیتیکی شمالی و ژرفای ژئوپلیتیکی جنوبی‌اش را دارد، به این کشور اجازه می‌دهد در راستای عملی کردن چنین پیوندی و جلوه‌گر ساختن هارتلند تازه در ژئوپلیتیک پستمدرن، برخی بندرهای فراوانش را در سواحل جنوبی‌اش در چارچوب حاکمیت ملی و زیر پوشش قوانین خود در اختیار هر یک از کشورهای محصور در خشکی منطقه خزر و آسیای میانه بگذارد. چنین کاری نه تنها موقع جغرافیایی استثنائی ایران را به یک موقع ژئوپلیتیکی استثنائی تبدیل خواهد کرد، بلکه کشورهای منطقه خزر و آسیای میانه را از دسترسی مستقیم و آسان به راه‌های بازرگانی بین‌المللی جنوب برخوردار خواهد ساخت. این کار علاوه بر مزایای اقتصادی فراوان برای ایران، باعث افزایش توان تأثیرگذار ایران در معادلات سیاسی منطقه خواهد شد.

باید تهدیدات مختلف و توانایی‌های متفاوت را با منافع قدرت ملی مورد سنجش قرار داد و به چرایی‌های مختلف مسائل دریایی از قبیل میزان توسعه ناوگان تجاری، گسترش شیلات، استقلال و تجارت دریایی و توسعه نیروی حمل و نقل دریایی پاسخ داد و با یک تغییر عمیق و وسیع در ساختار بخش‌های مختلف دریایی کشور مسائل دریایی را هدایت، نظارت و حمایت کرد. با توجه به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام و داشتن نقاط استراتژیک مهم باید منافع ملی مشخص و پس از آن منافع حیاتی تأمین گردد. از طرفی حساسیت نیروهای مداخله‌گر نسبت به موقعیت مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان تدوین استراتژی دریایی در خلیج فارس با محوریت دریا در برنامه‌ها حایز اهمیت و ترسیم اهداف، سیاستها و راهبردی کردن آنها در مقاطع مختلف زمانی ضروری و بسیار با اهمیت است. برای این منظور باید تشکیلات مناسبی در شورای عالی اداری جمهوری اسلامی ایران منظور و از طریق مراجع قانونی مصوب گردد، تا سیاستهای منطقه‌ای دریایی عملیاتی شود. (کامران، ۱۳۸۱).

۶- نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی بررسی شده در این مقاله حاکی از آن است که جغرافیای ایران، موقعیتی منحصر به فرد در اختیار این کشور قرار داده که نمی‌توان جایگاه آن را در استراتژیهای منطقه‌ای و جهانی نادیده گرفت. از طرف دیگر شایسته است مسؤولین کشور نیز با توجه بیشتر و آگاهی بهتر از این واقعیت‌ها، به بهترین شکل از امکانات کشور در جهت تأمین منافع ملی و سعادت دنیوی و اخروی ملت ایران بهره‌برداری نمایند.

تحولات بین‌المللی و ژئوپلیتیکی در نیمه دوم قرن هیجدهم موجب شد که شرق ایران بسیاری از استعدادها و ظرفیتهای تاریخی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی خود را از دست بدهد و تمدن شرقی در معرض انحطاط قرار گیرد. تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و تحولات بین‌المللی و ملی به‌ویژه در کشورهای ایران و افغانستان فرصت تازه‌ای برای رشد و توسعه این منطقه به‌وجود آورده است. برای استفاده از این پتانسیل باید طرحها و پروژه‌های زیربنایی و مهم توسط دولت ایران در این منطقه اجرا شود که زمینه مناسبی را برای توسعه مبادلات تجاری و اقتصادی و پیشرفت این منطقه فراهم کند. مهمترین این طرحها عبارتند از: احداث و توسعه شبکه‌های راه و راه‌آهن، شبکه‌های انرژی، صنعتی، مخابراتی؛ احداث سد‌های آبی، امنیت مرزها، سرمایه‌گذاری‌های

مالی و بین‌المللی و توسعه منابع انسانی. در صورت استفاده بهینه از پتانسیل‌های ارتباطی و ژئوپلیتیکی جنوب‌شرقی ایران (سواحل دریای عمان) وزن ژئوپلیتیکی ایران افزایش خواهد یافت زیرا این منطقه از سویی توانایی رفع وابستگی حیاتی ایران به تنگه هرمز، تأمین عمق استراتژیک برای کشور، دسترسی به آب‌های اقیانوسی و امکان‌سازی تبدیل ایران به قدرت دریایی و تبدیل بندر چابهار به دروازه ترانزیت کالا، سرمایه، خدمات و انرژی را دارد. و از سویی دیگر پتانسیل‌های چشمگیر ارتباطی این منطقه نزدیکترین و کم‌هزینه‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه و افغانستان به آب‌های آزاد است. می‌توان گفت سواحل دریای عمان و جنوب شرقی کشور از کارکردهای قدرت‌زای قابل توجهی برخوردار می‌باشد که در صورت تأمین زیرساخت‌هایی از قبیل توسعه ناوگان حمل و نقل ریلی، جاده‌ای و هوایی در جنوب شرقی ایران توانایی افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران را دارد.

۷- مراجع

- ۱- ابراهیم بای‌سلامی، غلامحیدر، چشم‌انداز توسعه شرق کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۰(۲) (پیاپی ۷۷)، مشهد، ۱۳۸۵.
- ۲- اتوتایل، ژناروید، دالی، سیمون و روتلج، پاول، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه: حافظ‌نیا، محمد رضا و نصیری، هاشم، تهران، معاونت سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- ۳- احمدی، عباس و پارسایی، اسماعیل، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، ۱۳۸۵.
- ۴- افتخاریان، لیلیا و افتخاریان، سارا، ایران و احیای جاده ابریشم، خلاصه مقاله‌های همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفتگوی تمدن‌ها، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۷۹.
- ۵- بویه، چمران و شریفی‌کیا، محمد، موقعیت ترانزیتی و ژئوپلیتیکی سیستان و بلوچستان و استراتژی‌های نوین اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIW2010)، زاهدان، ۱۳۸۹.
- ۶- پاپلی، محمدحسین، پیامدهای سیاسی-اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۴(۲) (پیاپی ۱۳)، ۵-۳۵، مشهد، ۱۳۶۸.
- ۷- پارسایان، رهبری و حمیدانی‌پور، مقدمه‌ای بر ترانزیت، ج ۲، تهران، سازمان بنادر و کشتیرانی، ۱۳۶۷.
- ۸- حافظ‌نیا، محمدرضا، قدرت و منافع ملی، تهران، انتخاب، ۱۳۸۶.
- ۹- حافظ‌نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، ۱۳۸۵.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم، تحلیل ظرفیتهای ژئوپلیتیک سواحل جنوب‌شرقی ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)، مجله جغرافیا و توسعه، ۳(پیاپی ۶)، ۵-۲۰، زاهدان، ۱۳۸۴.
- ۱۱- -----، تحلیل ظرفیتهای ژئوپلیتیک سواحل جنوب‌شرقی ایران در راستای منافع ملی، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمدرضا، مبانی مطالعات سیاسی- اجتماعی (۱)، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹.
- ۱۳- -----، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
- ۱۴- -----، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۵- حسین پورپویان، رضا، فرزام، صابر و پارسایی، اسماعیل، ظرفیتهای مکانی توسعه منطقه آزاد چابهار: فرصتها، تنگناها و راهکارها؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۰(پیاپی ۲۷۴)، ۱۶۵-۱۵۰، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۶- سنائی‌فر، یونس، جغرافیای نظامی ایران، تهران، چاپخانه دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۹.
- ۱۷- شمشیرپناه، معصومه، اهمیت امنیتی- استراتژیکی بندر چابهار برای جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۸- عزتی، عزت‌الله، ژئوپلیتیک، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
- ۱۹- کالینز، جان ام، جغرافیای نظامی، ترجمه، آهنی، محمدرضا، و محسنی، بهرام، جلد دوم (جغرافیای فرهنگی)، تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۵.
- ۲۰- کامران، کاظم، جایگاه سیاست دریایی در جمهوری اسلامی ایران؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۲(۱۶۴)، ۵۹۸-۵۸۵، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۱- کامران، حسن، علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۷(۳-۲) (پیاپی ۶۵-۶۶)، ۳۲-۴۲، مشهد، ۱۳۸۱.
- ۲۲- کریمی‌پور، عبدالله، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی)، ۱۳۸۱.
- ۲۳- لوتواک، ادوارد ان، از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی، منطق مناقشه دستورالعمل تجارت، مقاله چاپ شده در کتاب: اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ژناروید، اتوتایل، دالی، سیمون و روتلج، پاول، ترجمه: حافظ‌نیا، محمدرضا و نصیری، هاشم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- ۲۴- لور، پاسکال و توال، فرانسوا، کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه، صدوقی ونینی، حسن، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

- ۲۵- مجتهدزاده، پیروز، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۶- محرابی، علیرضا، **ژئوپلیتیک و تحول اندیشه حکومت در ایران**. تهران، انتخاب، ۱۳۸۶.
- ۲۷- مویر، ریچارد، **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه، میرحیدر، دره، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
- ۲۸- میرحیدر، دره، **مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶.
- ۲۹- نصیری، حسین، **امنیت ملی پایدار**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۱-۱۲ (پیاپی ۲۱۶)، ۸۲-۸۹، تهران، ۱۳۸۴.
- 30-Bahgat, Gawdat, **The new geopolitics of oil**, Washington, D.C, Foreign Policy research institute, 2002.
- 31-Microsoft Encarta Reference Library, 1993-2004 **Microsoft Corporation**, New York, 2005.
- 32-UNIDO , **Bridging Tomorrows Energy Gap**. Unido Update, No:2.,45-59, New York, 1994.